

تعهدات دولت‌ها در نظام عدم اشاعه و قلمرو اجرایی آنها در خلع سلاح

محمد جمادی^۱ - زینب پورخاقان^۲ - لیلا رئیسی دزکی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۴

چکیده:

به نظر می‌رسد دولت‌های هسته‌ای ضمانتی به تقلیل توان هسته‌ای خود ندارند و راه توسعه در این زمینه برایشان مسدود نگردیده است. این وضعیت به ویژه با تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی تشدید شده است. هدف از تحقیق حاضر، شناسایی مفهوم تعهدات دولت‌ها در نظام عدم اشاعه و قلمروی اجرایی آن و بررسی چالش‌ها و خلاءها در این زمینه می‌باشد. سوال اصلی تحقیق حاضر آن است که تعهدات دولت‌ها در نظام عدم اشاعه و قلمرو اجرایی آنها در خلع سلاح چیست؟ تعهدات دولت‌ها در نظام عدم اشاعه، منافع فردی آنها را بر منافع کل جامعه بین‌المللی که همانا حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، حمایت از حق مردم در تعیین سرنوشت خود، حراست از شأن و منزلت انسان، حفظ میراث مشترک بشریت، محیط زیست و نظم نوین اقتصادی بین‌المللی است غلبه داشته و مانع رشد و تعالی آن شده است.

واژگان کلیدی: تعهدات، عدم اشاعه، خلع سلاح، سلاح هسته‌ای

JPIR-2005-1421

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

^۲ - استادیار حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران: نویسنده مسئول
poorkhaghan@gmail.com

^۳ - دانشیار حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

مقدمه

تعهدات و حقوق مندرج در پیمان، تشکیلاتی پیش‌بینی نموده است که می‌تواند هدف روند محدودیت در کاربرد تسلیحات هسته‌ای را تسهیل نماید و مسیری به سوی نظام عدم اشاعه بگشاید. این تشکیلات همان دستگاه‌های نظارت و بازرسی بوده که وظیفه رسیدگی به رعایت تعهدات دولتهای عضو و از سوی دیگر نظارت بر نهادهای بین‌المللی که در نظام منع گسترش و خلع سلاح مشغول به فعالیت می‌باشند، را بر عهده دارند. در بند ۲ ماده ۴ معاهده آمده است که "کلیه اعضای این پیمان تعهد آسان نمودن و داشتن حقوق مشارکت در حداکثر استفاده از تبادل وسایل، مواد و اطلاعات علمی تکنیکی برای کاربردهای صلح آمیز هسته‌ای را می‌نمایند. همچنین بند ۲ ماده ۳ معاهده نیز مقرر می‌دارد "هر کشور عضو پیمان متعهد می‌گردد: الف- مواد چشمه یا مواد قابل شکافت ویژه ب- دستگاه‌ها یا مواد طراحی شده به خصوص، یا آماده شده برای تجزیه، بکارگیری یا تولید مواد قابل شکافت ویژه را به هیچ کشور بدون سلاح هسته‌ای برای اهداف صلح آمیز ندهد، اما مگر اینکه مواد چشمه یا مواد قابل شکافت به خصوص، موضوع پادمان مطرح شده در این ماده باشد.

در این مقاله با استفاده از رویکرد توصیفی - تحلیلی در صدد شناخت تعهدات دولت‌ها در نظام عدم اشاعه و قلمرو اجرایی آنها در خلع سلاح هستیم. به این معنا که براساس مواد مندرج در پیمان و تعهدات آن، اهم مواد مهمی که در پیمان مذکور و نظام عدم اشاعه و تعهدات پیمان و عوامل بازدارنده برای عدم دسترسی به سلاح هسته‌ای، را مورد واکاوی و بحث قرار خواهیم داد و در نهایت نهادها و تشکیلات معاهده و نظام عدم اشاعه برای رسیدن به هدف مورد نظر، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

(۱) تعهدات محدود کننده

بنظر می‌رسد معاهده ممانعت از رواج سلاح‌های هسته‌ای می‌تواند تا حد ممکن بهره‌گیری از نیروی هسته‌ای برای اهداف نظامی را به حداقل برساند. با یک نگاه کلی در متن پیمان بنظر می‌رسد، پیمان مذکور نسبت به قطع تولید سلاح‌های هسته‌ای و حذف موجودی اینگونه سلاح و تجهیزات از زرادخانه‌های ملی ابراز امیدواری کرده است. و تأکید می‌کند که این ایده در چارچوب پیمان خلع سلاح کامل و تمام مستقر شود. هر چند هدف اولیه این پیمان که دارای اعتبار بالایی در جامعه بین‌المللی است، خلع سلاح کامل نیست، با دید کلی به مجموعه پیمان، به نظر می‌رسد تعهداتی که جنبه محدود کننده دارند را بتوان به دو دسته تقسیم کرد. این دو دسته از تعهدات را در دو بند به شیوه زیر مورد مطالعه قرار می‌دهیم:

۱-۱) نیروی هسته‌ای در خدمت صلح

انرژی هسته‌ای به عنوان منشاء طبیعی بسیار مورد توجه قرار گرفته، و مصارف صنعتی، بهداشتی و کشاورزی و ... آن همواره به عنوان منشأ تحولات بی‌نظیر در قسمت‌های مختلف، حائز اهمیت می‌باشد. (ساعد، ۱۳۸۹: ۲۳۶) به موجب این پیمان همه دول عضو باید بتوانند نیروی هسته‌ای را در جهاتی صلح‌آمیز به کار گیرند. توجه به این کارکرد به لحاظ منحرف نمودن نیروی هسته‌ای از مصارف نظامی است که می‌تواند، جهان را به نابودی بکشاند و تلاش می‌کند مانع ایجاد تزلزل در روابط دولتها شود. (غالی، ۱۹۹۵)

از این پیمان می‌توان چنین دریافت کرد که حق استفاده از نیروی هسته‌ای به عنوان یک حق غیرقابل انتقال و تفویض، محدود به سازگاری با منافع جامعه بین‌المللی است، چون تأسیسات مربوط به آن باید تحت پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گیرد. در متن معاهده تحقیق و توسعه و سایر مساعی در جهت اجرای پادمان‌های آژانس بر جریان مواد خام و محصولات شکافتنی در محدوده نظام نظارتی آژانس، پشتیبانی به عمل می‌آورد که در اینجا همان مصارف صلح‌جویانه مواد مورد اشاره، منظور بوده است و اینکه نظارت آژانس طوری تقویت شود که بتواند عدم انحراف مواد و محصولات شکافتنی از اهداف صلح‌آمیز را تضمین کند. (ساعد، ۱۳۸۹: ۲۳۷)

تعهداتی که در پیمان منع گسترش دارای دیدگاهی محدود کننده جهت استفاده از نیروی هسته دارند. استفاده از نیروی هسته‌ای را فقط و فقط در جهت مقاصد صلح‌جویانه منحصر نموده است، در کل می‌توان ایده "اتم در راه صلح" که توسط رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۱۹۵۳ در سازمان ملل مورد بحث قرار گرفت را منشأ ایجاد سازمان بین‌المللی انرژی اتمی دانست. درنهایت با توجه به موانع مورد اشاره در کنفرانس تمدید و تجدید نظر، طرف‌های پیمان منع گسترش بر ضرورت اجرای مفاد و تعهدات محدود کننده در زمینه به کارگیری نیروی هسته‌ای در مقاصد صلح‌جویانه، تاکید کردند و کمیته سوم کنفرانس در گزارشی به کمبودها و موانع موجود در این زمینه اشاره کرد. در این گزارش کمیته سوم با ابراز نگرانی از همکاری دولت‌های عضو (عمدتاً هسته‌ای) با دول غیرعضو پیمان خواستار ترتیباتی برای مشمول قرار دادن امکانات هسته‌ای دولت‌های اخیر تحت پادمان‌های بین‌المللی شد. گزارش کمیته سوم نیز به عناوین دیگر به طوری که به کاربردهای صلح‌جویانه نیروی هسته مربوط می‌شد، از جمله ایمنی زباله‌های هسته‌ای و

همیاری‌های صلح‌جویانه پرداخت و مجموعه این موارد را مؤثر در تأمین امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی عنوان نمود. این گزارش در نهایت خواهان تابعیت تمامی دول از معاهده منع گسترش به عنوان ابزارآلات مهم نظام منع گسترش گردید. (جایمها داناپالا^۱، ۱۹۹۵)

در سال‌های اخیر نیز تلاش جمعی از کشورهای اشاعه تسلیحات هسته‌ای سرانجام به تصویب پیمان ممنوعیت سلاح‌های اتمی در سال ۲۰۱۷ منجر شد و امید به اصلاح این رژیم فزونی یافت. با این وجود، همچون روال چند دهه گذشته قدرت‌های هسته‌ای و در رأس آنها ایالات متحده با پیش کشیدن برخی بحث‌های حقوقی تلاش نمودند این عهدنامه جدید را «دشمن پیمان منع اشاعه» جلوه داده و وانمود می‌کنند که ممکن است با نادیده گرفتن برخی دستاوردهای قبلی به دلیل افزایش اختلافات میان کشورها کلیت رژیم منع اشاعه با خطر نابودی مواجه شود. با این وجود دولت‌های غیر هسته‌ای مایوس نشده و همچنان به دنبال تقویت جنبشی هستند که به چیزی کمتر از خلع سلاح اتمی کامل و جهانی رضایت نخواهد داد. (جوینر^۲، ۲۰۱۸)

۲-۱) منطقه‌های فاقد سلاح هسته‌ای

در اواسط دهه ۱۹۵۰ میلادی توسط شوروی مفاد مناطق فاقد سلاح هسته‌ای بیان شد. شوروی پیشنهاد کرد مناطقی چون بالکان و ممالک آلمانی تبار در اروپا را غیرهسته‌ای کنند. می‌توان بیان نمود که علت اصلی مطرح کردن این پیشنهاد توسط شوروی، وجود آلمان در مرکز اروپا بود. تشویشی که پس از جنگ‌های جهانی از ارتش آلمان بجا مانده بود، از ادله برجسته‌ای که سبب شد تا شوروی متقاضی آن شود که ارتش و نیروهای مسلح مستقر در مناطق آلمان از سلاح و جنگ افزارهای هسته‌ای محروم نگه دارد.

در اکتبر ۱۹۵۷ هم وزیر امور خارجه لهستان طرح موسوم به راپاکی^۳ را برای عاری کردن تعدادی از کشورهای اروپای مرکزی از سلاح‌های هسته‌ای به اجلاس دوازدهم مجمع عمومی ارائه کرد. مجمع عمومی در همین اجلاس به موجب قطعنامه ۳۴۷۲ مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۵۷ به ترتیب ذیل مفهوم منطقه عاری از سلاح هسته‌ای را بیان داشت:

"به عنوان قاعده‌ای کلی، منطقه عاری از سلاح هسته‌ای، به هر منطقه‌ای، که مجمع عمومی سازمان ملل هم آن را به رسمیت شناخته باشد، و گروه دولت‌های آن منطقه که به موجب معاهده یا کنوانسیون این منطقه را ایجاد کرده‌اند و در اعمال حاکمیت در آن آزادند اطلاق می‌شود که:

¹ Jayamha Dhanapala

² joyner

³ Rapacki Jan Prawitz and James F.Lecnard A Zone Free of Weapons of Mass Destruction in the Middle East UNIDIR, P.1 - 3.

الف) اساسنامه آن منطقه فقدان کامل سلاح‌های هسته‌ای را موضوعیت داده باشد، از جمله شیوه‌ای برای تحدید حدود منطقه تعریف شده باشد. ب) نظام بین‌المللی بازرسی و تحقیق و کنترل برای تضمین رعایت تعهدات ناشی از اساسنامه در نظر گرفته شده باشد." (غالی بوترس، ۱۹۹۷: ۲۷)

ماده هفت معاهده تصریح کرد که مفاد پیمان منع گسترش به حق گروه‌های منطقه‌ای دولت‌ها که به موجب ترتیباتی خواسته‌اند از فقدان کامل سلاح‌های هسته‌ای اطمینان یابند، هیچ‌گونه لطمه‌ای وارد نخواهد کرد.

اولین ناحیه‌ای که تحت ترتیبات عاری از سلاح هسته‌ای احاطه شد، منطقه آمریکای لاتین بود. دولت‌های این مناطق به موجب پیمان تلاتولکو که در ۱۴ فوریه ۱۹۶۷ در پایتخت مکزیک امضاء کردند، این منطقه را عاری از سلاح هسته‌ای اعلام نمودند. معاهده تلاتونکو در آوریل ۱۹۶۸ لازم الاجرا شد، هر سی و سه کشور منطقه آمریکای لاتین پیمان را امضاء کرده، اما تنها ۴ کشور هنوز اسناد تصویبی را ارائه نکرده‌اند.

پیمان عاری کردن آمریکای لاتین و کارائیب در ۱۹۹۲ به هدف ارائه صلاحیت و مسئولیت انحصاری به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای انجام بازرسی‌های ویژه، بازنگری گردید. با این حال نهاد OPANAL مسئولیت‌های خاص خود را با پشتیبانی کامل طرف‌های پیمان ادامه می‌دهد. (غالی بوترس، ۱۹۹۷: ۲۸)

در پیمان، منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای محدود گردیده است اما سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک هم در چارچوب موافقتنامه‌های بین‌المللی جداگانه‌ای، محدود شدند. تا بحال اکثر گروه دول، که مناطق عاری از سلاح هسته‌ای ایجاد یا در جهت برقراری و احقاق آن سعی نموده‌اند، از اعضای پیمان منع گسترش می‌باشند. در کنفرانس مذکور که نتیجه آن تمدید پیمان منع گسترش برای مدت نامحدود بود، دولت‌های عضو اصول و اهداف منع گسترش و خلع سلاح را پذیرفتند و به موجب ضمیمه‌ای ایجاد مناطق هسته زدایی شده را به عنوان موضوعی دارای اولویت تشویق نمودند. (پراویز و جامس لیسنارد^۱، ۱۹۹۹: ۱۳) در این ضمیمه تأکید می‌شود که این اولویت با در نظر گرفتن خصوصیات ویژه هر منطقه همراه می‌باشد. (مجتهدزاده، ۱۳۹۵: ۱۷۶)

بجز مناطق عاری از سلاح هسته‌ای و انهدام انبوه، بحث‌هایی هم در زمینه بوجود آوردن مناطق صلح اعلام شده است. مناطق صلح، مفهومی وسیعتر از منطقه عاری از سلاح دارند، زیرا این

^۱.Prawitz & James Leonard

مناطق شامل همکاری‌هایی میان دولت‌ها در زمینه حفظ محیط زیست، توسعه اقتصادی، مذاکرات سیاسی و محدودیت‌های نظامی است. در مناطق صلح محدودیت‌های تسلیحاتی و نظامی تنها یک طرف، قضیه می‌باشد. ابعاد همکاری در این مناطق بسیار گسترده، و در عین حال سازگار و هماهنگ با هدف برقراری و تحقق صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد، از دیگر مناطقی که به موجب معاهدات بین‌المللی شامل محدودیت‌های تسلیحاتی و نظامی قرار گرفته است، منطقه فضای ماوراء جو می‌باشد. به این هدف موافقت نامه‌ای بین‌المللی در سال ۱۹۶۷ بوجود آمد و مستقر ساختن و قرار دادن هر نوع اشیاء مربوط به نقل و انتقال سلاح‌های هسته‌ای با دیگر سلاح‌های انهدامی و احداث تاسیسات مربوط به چنین سلاح‌هایی در مدار زمین را ممنوع اعلام نمودند. (عابد، ۱۳۹۵: ۲۱۹) همچنین در تکمیل این موافقتنامه بین‌المللی، معاهده دیگری با موضوع تدوین مقررات حاکم بر فعالیت دول مختلف بر اطراف ماه و سایر سیارات در ۱۹۷۹ توسط کشورهای عضو امضاء شد و ماه و سیارات آسمانی را موکداً برای مقاصد صلح‌جویانه مورد توجه قرار داد. این موافقتنامه در سال ۱۹۸۴ لازم‌الاجرا شد. موافقت نامه دیگری در ۱۹۷۲ استقرار و نصب سلاح‌های هسته‌ای و انهدام انبوه را بر زیر خاک و کف اقیانوس‌ها و بستر آن مناطق ممنوع کرده است و محدوده عملیاتی مقررات خود را در محدوده سرزمینی ۱۲ مایل دریایی از خط ساحل اعلام نمود. حال مشخص شد که مناطق عاری از سلاح‌های انهدام انبوه، ادواتی برای گسترش صلح و امنیت بین‌المللی در روند خلع سلاح و نظام منع گسترش می‌باشد، از سویی ادوات مرتبط به این نظام از کارکردهای نظامی نیروی هسته‌ای جلوگیری کرده و از سویی دیگر بهره‌گیری از کاربردهای صلح‌آمیز آن را ترغیب می‌کنند. همانا نواحی مورد بحث با بحث پشتیبانی امنیتی هم مرتبط است، چون ترتیبات اخیر هم نوع منفی آن، دول خارج از منطقه را از حمله و تهاجم هسته‌ای به این مناطق جلوگیری می‌نماید و هم آنها را به احترام به این ترتیبات وا می‌دارد. به گونه‌ای که معاهده جلوگیری از گسترش هم تصریح دارد، مقررات آن نباید به حق گروه‌های منطقه‌ای لطمه‌ای وارد آورد.

وظیفه نظارت بر اجرای این معاهده و پروتکل الحاقی آن بر عهده آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است که در سال ۱۹۵۷ با هدف تسهیل روند استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و جلوگیری از به کارگیری همکاری فنی آژانس در مقاصد نظامی فعالیت خود را آغاز نمود و موظف است بدون هیچ تبعیضی در چارچوب نظام پادمانی به بررسی میزان پایبندی کشورهای عضو پیمان بپردازد. اما متأسفانه رفتار دوگانه آژانس تحت تسلط قدرت‌های هسته‌ای، اعتراض بسیاری

از کشورها را موجب گشته است. از جمله رفتارهای تبعیض‌آمیز می‌توان به نحوه برخورد آژانس با برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران در مقایسه با برنامه نظامی هسته‌ای مخفی اسرائیل، هندوپاکستان در سالهای اخیر اشاره نمود. (پوپ و همکاران^۱، ۲۰۱۷: ۳۶)

۲) سایر تعهدات بین‌المللی

با یک نگاه به تمامی معاهدات منع گسترش علاوه بر معاهدات مذکور، نوعی از تعهدات پیمان به موضوعات شکلی بر می‌گردد که در مواد ۸ تا ۱۱ ذکر شده است. ضوابط پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در آن بخش جنبه محدود کننده دارد، که عنصر اصلی آنها این بود که نیروی هسته را در خدمت صلح نگه دارند و محدوده نقش آفرینی آن را محدود به مقاصد صلح‌جویانه بنمایند و در نهایت با پیگیری خلع سلاح، محدوده کاربرد نظامی قدرت هسته‌ای را کاهش دهند، ماده ۸ پیمان به شیوه اصلاح مواد و امکان ارائه اصلاحات را به وسیله طرف‌ها جایز می‌شمارد، مربوط است. این اصلاحات با رای موافق اکثریت طرف‌های پیمان امکان‌پذیر می‌باشد. در حالیکه رأی موافق تمامی دولت‌های عضو شورای حکام آژانس باید، همراه اکثریت یاد شده باشد. مجموعه ماده ۹ مربوط به امضاء، الحاق دولت‌های امین و تصویب پیمان، نصاب لازم الاجرائی و مراحل ثبت آن می‌باشد. ذیل بند سوم همین ماده نیز دول هسته‌ای را تعریف می‌کند. ماده ۱۰ در مورد نحوه خروج دولت عضو از پیمان می‌باشد که دولت مزبور چنانچه تشخیص دهد حوادث فوق‌العاده‌ای که مربوط به موضوع پیمان است و مصالح کشورش در خطر افتاده است، حق کناره‌گیری از پیمان با اخطار قبلی سه ماهه خواهد داشت و در نهایت ماده ۱۱ زبان‌های معتبر متن را نام برده است و اعلام کرده است که پیمان به زبان‌های اسپانیایی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و چینی و برای تمامی زبانها اعتباری یکسان دارد. برخلاف معمول که موافقتنامه‌های بین‌المللی و پیمان‌ها، مقرراتی برای تفسیر مفاد خود پیش‌بینی می‌کنند، معاهده هیچ اشاره به حق تفسیر و نحوه آن نکرده است، که همین قضیه مشکلات زیادی را بوجود آورده است که این می‌تواند یکی از نقص‌های معاهده باشد و دول عضو می‌توانند از آن تفسیرهای گوناگونی داشته باشند. بنظر می‌رسد که اولاً دولت‌های عضو باید از مبادرت به اعمال ممنوع در پیمان خودداری کنند، و در ثانی آنها موظف به اجرای تعهدات متعهد شده هستند و در هر حال عدم رعایت مفاد پیمان، نقض مقررات تلقی خواهد شد. در حالی که برای رعایت و عدم آن هیچ‌گونه ضمانت اجرایی پیش‌بینی نگردیده است با اینکه خلع سلاح اصلی‌ترین هدف این

^۱ Popp & et al

پیمان است اما کشورهای هسته‌ای خلع سلاح خود را مشروط به اصلاح وضعیت امنیت بین‌المللی کرده و همچنان به مدرنیزه کردن زرادخانه هسته‌ای خود مبادرت می‌کنند. این تایید می‌کند که نابرابری که از ابتدای بوجود آمدن این پیمان وجود داشته، همچنان دلیل اصلی شکایت کشورهای غیر هسته‌ای باقی خواهد ماند. بنابراین، حتی اگر این نارضایتی به از دست رفتن مشروعیت و اختتام پیمان منتهی نگردد، مطمئناً تمایل کشورهای غیرهسته‌ای برای همکاری در مسیر تقویت پیمان را به خطر خواهد انداخت. (ویس^۱، ۲۰۰۳).

با این وجود، هدف اصلی این کنفرانس اصلاح پیمان و ایجاد تحولات بنیادین نیست، بلکه با بررسی آخرین وضعیت توصیه لازم جهت تقویت پیمان را ارائه می‌دهد که البته به لحاظ حقوقی هیچ یک الزام‌آور نیستند. تجربه نیز نشان داده بجز کنفرانس ۱۹۹۵ که منجر به تمدید نامحدود این معاهده گردید، باقی کنفرانس‌ها توفیق چندانی را کسب نکرده‌اند. (مایتر^۲، ۲۰۱۵)

۲-۱) اقدامات ممنوع کننده دول عضو

برخی از مقررات معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای مشمول تعهداتی می‌باشد که دولت‌های عضو را از اقداماتی منع نموده است. مواد ۱ و ۲ معاهده تعهدات محوری می‌باشد که دولت‌های عضو پیمان را به خود مشغول نموده است. در واقع این مواد ۱ و ۲ منع تکثیر و جلوگیری از اشاعه سلاح‌های هسته‌ای را به خوبی مطرح می‌نماید. ماده اول مربوط به تعهد دول هسته‌ای می‌باشد. دولت‌های دارنده سلاح به خودداری از واگذاری سلاح هسته‌ای و سایر ادوات انفجاری هسته‌ای، کنترل بر روی اینگونه سلاح‌ها و ادوات متعهد شده‌اند. همین ماده دول مذکور را از هر نوع کمکی به دولت‌های بدون سلاح هسته‌ای در به دست آوردن و ساختن، کنترل بر روی چنین سلاح‌ها و ادوات مربوط به آن را ممنوع نموده است. ماده ۲ پیمان منع گسترش بیانگر تعهد دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای می‌باشد. تعهدات دو ماده مذکور را می‌توان در دو عنصر "عدم اکتساب" و "عدم انتقال" بیان نمود. هدف نهایی پیمان، منع گسترش و جلوگیری از شیوع و پراکندگی تسلیحات هسته‌ای می‌باشد، که صرفاً بر عدم تکثیر، متمرکز و محدود شده است. تعهدات ماده دو پیمان هم همین نتیجه و تأثیر را دارد. با توجه به این امر، دولت‌های عضو جنبش عدم غیر متعهدها، همواره ساختار پیمان را مورد نقد قرار داده‌اند که امنیت دول غیرهسته‌ای را در نظر نگرفته است.^۳ در کنفرانس بازنگری سال ۲۰۰۰، پنج کشور هسته‌ای بار

^۱-Weiss

^۲-Maitre

^۳-GOLDBLAT JOZEF Twenty Years of the Non - Proliferation Treaty, P.35.

دیگر بر تعهد خود مبنی بر برچیده شدن تسلیحات هسته‌ای تاکید نمودند. تا پیش از ریاست جمهوری دونالد ترامپ، آمریکا و روسیه از طریق موافقتنامه‌های چند جانبه نسبت به کاهش ذخایر هسته‌ای خود اقدام نموده و ذخیره اورانیوم با غنای بالا و پولوتونیوم خود را کاهش دادند، اما سیاست‌های متمایز ترامپ این احتمال را افزایش داده که طی سالهای آتی دو کشور مجدداً در مسیر رقابت خطرناک تسلیحاتی قرار گرفته و دستاوردهای چند دهه در یک چشم بهم زدن بر باد رود. (گودبی و شولتز^۱: ۲۰۱۵، ۴۵)

این درحالی است که ماده ۱ و همچنین ماده ۲، مانعی در مسابقه تسلیحات هسته‌ای و توقف آن توسط دولت‌های هسته‌ای که به عنوان یکی از مهمترین اهداف و آرمان‌هایی که مقدمه معاهده به آن پرداخته است، مورد بحث قرار نداده‌اند. هر چند موافقتنامه‌های دو یا چند جانبه‌ای بین دول هسته‌ای برقرار شده و مواردی از کاهش انواعی از سلاح‌ها ترتیب یافته است با این حال هدف خلع سلاح به طور کامل برآورده نمی‌شود. به موجب بند ۲ ماده ۳ همه دولت‌های عضو پیمان متعهدند که مواد خام یا محصولات شکافتنی ویژه با تجهیزات و مواد ویژه استفاده و تولید آنها، و محصولات را به هیچ یک از دولت‌های غیرهسته‌ای برای مقاصد صلح جویانه تحویل ندهند. ذیل همین ماده بلافاصله تحویل این موارد و اقلام را صرفاً در صورتی مجاز دانسته است که تحت تضمین‌های مقرر بوسیله آژانس قرار گرفته باشند، به این ترتیب تحویل اقلام مورد نظر در خارج از ترتیبات پادمان آژانس ممنوع شده است. در مورد بند دوم ماده ۳ قبل از تایید و تصویب پیمان در مجمع عمومی سازمان ملل و همزمان با بررسی متن پیشنهادی آمریکا و شوروی تردید وجود داشت که آیا این امر مانع انجام برنامه‌های هسته‌ای صلح جویانه می‌شود یا نه. بالاخره ماده ۴ پیمان در ضمن پیشنهادی اصلاحی تکلیف را مشخص نموده است. ماده ۴ مقرر می‌دارد: "هیچ یک از مقررات این پیمان به نحوی تعبیر نخواهد شد که به حقوق غیر قابل تفویض" دولتهای عضو در زمینه بهره‌گیری از نیروی هسته‌ای در مقاصد صلح جویانه لطمه‌ای وارد آورد. از طرفی بند دوم ماده ۳ مشمول یک اصل نظارتی می‌باشد. در واقع ممنوعیتی وجود ندارد که به حق دولت‌ها در استفاده‌های صلح جویانه از نیروی هسته‌ای خدشه وارد نماید. هدف امکان دسترسی به مواد خام و محصولات شکافتنی با شرط نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی امکان‌پذیر است. از این رو ماده ۴، بند دو ماده ۳ عدم ممانعت در جهت استفاده‌های صلح جویانه از نیروی هسته‌ای را به روشنی بیان می‌نماید. بدین ترتیب ماده ۱ و بند ۲ ماده ۳

^۱ Goodby and Shultz

معاهده تعهداتی هستند که دولت‌ها برخوردار از سلاح و تجهیزات هسته‌ای را مشمول ممنوعیت قرار داده است. هر چند بند ۲ ممنوعیت را به طور کلی برای همه دولت‌های عضو در نظر گرفته است ولی بهتر می‌بود مخاطب آن صرفاً دولت‌های هسته‌ای باشند. روشن است که یک کشور تحت مقررات حقوق بین‌الملل در برابر نقض مقررات NPT مسئولیت دارد و در صورت خروج از پیمان دارای مسئولیت بین‌المللی است، اما با این حال در ماده ۱۰ آمده که برای خروج از معاهده باید سه ماه زودتر شورای امنیت سازمان ملل را در جریان این موضوع قرار دهد. به طور کلی، خروج از پیمان به معنای کنار گذاشتن احکام، مقررات و اجرای توافق پادمان هسته‌ای یک کشور می‌باشد. به همین ترتیب، نگرانی دیگری نیز در خصوص ادامه استفاده از مواد و تجهیزات هسته‌ای دولت خارج شده از پیمان وجود دارد که در زمانی که هنوز عضو پیمان بوده در اختیار او قرار گرفته است. در این موارد آژانس به راحتی قادر نیست از صلح آمیز بودن مقاصد استفاده از آنها اطمینان حاصل نماید. (سوکولسکی^۱، ۲۰۱۰: ۴۱۹-۴۲۴)

۲-۲) تعهدات اثباتی دول عضو

گروه دیگری از ضوابط معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، حاوی تعهداتی برای دول عضو است که دارای جنبه اثباتی‌اند. این قواعد دو گروه دول عضو را به انجام اقدامات و اتخاذ تدابیری ملزم می‌نماید. ضوابطی که دارای تعهدات اثباتی هستند. در قسمت‌هایی از مواد ۳-۴-۵ و ماده ۶ معاهده منع گسترش مشهود است. شق یک ماده ۳ تعهدی برای دول فاقد سلاح و ابزارآلات هسته‌ای، جهت تقبل اصل نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌باشد. دول غیر هسته‌ای متعهدند به علت تصویب‌نامه‌ای که با آژانس به انعقاد رسانده‌اند، پادمان‌ها و نظارت این نهاد بازرسی بین‌المللی را متقبل شوند. تحقیقات آژانس میزان التزام عملی دولت‌های غیرهسته‌ایی را به تعهداتی که پیمان برای آنها در نظر گرفته است پیگیری می‌کند. به تصریح بند یک ماده ۳ اجرای پادمان‌های آژانس، در مورد مواد خام و محصولات شکافتنی مخصوص به هر شیوه تولید یا به کار گرفته شده باشند حتی در مورد فعالیت‌های صلح جویانه هسته‌ای دولت‌های دسته دوم موضوعیت خواهد داشت. بند ۲ ماده ۴ در آن قسمت که همه دولت‌های عضو پیمان را به فراهم آوردن زمینه تبادل هر چه گسترده‌تر مواد اطلاعات علمی و تکنولوژیک و تجهیزات برای مصارف صلح جویانه نیروی هسته‌ای متعهد می‌نماید، جنبه اثباتی دارد. صدر ماده ۵ هم که مرتبط است با تعهد دولت‌های عضو پیمان به اتخاذ تدابیر مناسب برای در دسترسی گذاردن فواید بالقوه

^۱.Sokolski

استفاده‌های صلح‌جویانه از انفجارهای هسته‌ای از چنین خصوصیتی برخوردار می‌باشد. نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، حقی است که در برابر تعهد دولت‌های غیرهسته‌ای به خودداری از به دست آوردن ادوات انفجاری هسته به آنها داده شده است، ثانیاً اینکه دولت‌های اخیر تا بحال نتوانسته‌اند ترتیباتی برای استفاده از فواید مصرح در ماده ۵ اتخاذ کنند و این معلول عواملی است، از جمله اینکه دول هسته‌ای به رغم تعهدی که در این زمینه دارند، حاضر نشده‌اند به طور گسترده و بدون تبعیض در جهت همکاری‌های علمی و فنی و ارائه آثار و فواید فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌جویانه‌شان به دول غیر هسته‌ای پیش قدم شوند و نیز دولت‌های اخیر نتوانسته‌اند دیدگاه‌های واحد و منسجمی را در قبال اجرای تعهدات دول هسته‌ای در این موارد در پیش گیرند و برای ترتیبات مقرر در ماده ۵ از جمله ایجاد سازمان بین‌المللی برای اینگونه همکاری‌ها و نیز موافقتنامه‌های مورد نظر، اقدام نمایند. بالاخره اینکه خود ماده هم دارای نوعی ابهام است. منظور آن بخشی است که مقرر می‌کند مذاکرات مربوطه هر چه زودتر پس از لازم الاجرا شدن پیمان آغاز شوند. این خود یک مشکل و نقص است. (مجتهدزاده، ۱۳۹۵: ۱۶۸)

ماده ۶ معاهده از اهمیت بنیادی در نظام منع گسترش و خلع سلاح دارا است. البته موضوع ماده ۶ که مذاکره در باب مسایل خلع سلاح عمومی و کامل است، مفهومی فراتر از موضوع محدود پیمان منع گسترش را مدنظر قرار می‌دهد. علاوه بر این برای اجرایی شدن این هدف وسیع، سهیم شدن همه دول طرف پیمان لازم است، و بدین منظور است که در ماده ۶ تعهد در این زمینه را متوجه همه دول عضو داشته است و در کنگره‌های تجدید نظر پیمان منع گسترش. (شاکر^۱، ۱۹۵۹) قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل، گزارش‌های گوناگون دبیر کل سازمان ملل. (غالی بوترس، ۱۹۹۵: ۹۷) بر پیگیری مذاکرات با این هدف تاکید کرده‌اند. نظر مشورتی دیوان دادگستری بین‌المللی هم در ژوئیه ۱۹۹۶ آن را به عنوان یک تعهد برای همه دولت‌ها مورد تایید قرار داده است. آذرباره تعهد و مسئولیت‌های دول هسته‌ای در مقابل دولت‌های غیرهسته‌ای باید گفت علاوه بر وجود تبعیض و نابرابری حقوق و تعهدات پیمان، نوعی مشکل و نابرابری هم متوجه خود دول دسته اول است، زیرا از آنجا که این دولت‌ها از نظر هدف و میزان و نوع برخورداری از سلاح و تجهیزات هسته‌ای در موقعیت برابری قرار ندارند، مسئولیت‌ها و تکالیف

¹. Shaker

². I.C.J. Communique Unofficial for Immediate Release No. 69/23, 8 July 1996 Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons - Request for Advisory Opinion by the General Assembly of the United Nations

خود را هم یکسان نمی‌پندارند و این مانع عمده هماهنگی اراده‌های سیاسی این دولت‌ها و جزم نمودن عزم آنها در جهت خلع سلاح می‌باشد. (مجتهدزاده، ۱۳۹۵: ۱۶۹) کمیته زنگر (کمیته صادر کنندگان هسته‌ای) و گروه تامین‌کنندگان هسته‌ای دو نهادی هستند که متعهد به کنترل صادرات به منظور جلوگیری از انحراف هسته‌ای می‌باشند تا صادرات از «اهداف صلح آمیز»، خود به همکاری ناخواسته با «مقاصد نظامی» ختم نگردد. همچنین قطعنامه ۱۵۴۰ سال ۲۰۰۴ و دیگر قطعنامه‌های مرتبط شورای امنیت، از طریق الزام تمامی اعضای سازمان ملل به گسترش و اجرای اقدامات قانونی و نظارتی مناسب برای جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، سعی در تقویت این سیستم نموده است. (نیون و ییم، ۲۰۱۹)

تفاوت‌های بنیادی هم در سیاست هسته‌ای این دولت‌ها موجود است، بعضی وجود سلاح هسته‌ای را بسته به فلسفه بازدارندگی و عده‌ای دیگر آن را به عنوان حربه "دفاع مشروع" برداشت می‌کنند،^۲ علی‌رغم اینکه به لحاظ اصل برابری حاکمیت‌ها دول غیر هسته‌ای با ادله گوناگونی قادرند برای صیانت از امنیت شان چنین ادعایی را مورد بحث قرار دهند، اما این موضوع را هم در نظر می‌گیرند که پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که تامین‌کننده میزانی از ثبات و امنیت در جهان است، را باید محترم بشمارند؛ این دولت‌ها همچنین نباید تعهدات خود را نادیده بگیرند. با وجود دوگانگی‌های زیادی که در این سند معتبر بین‌المللی وجود دارد، آن را می‌توان عامل مؤثری در جلوگیری از اغتشاش هسته‌ای محسوب کرد و حداقل پایبندی هر دو گروه دولت‌ها به تعهدات آن، زمینه را برای خلع سلاح کامل میسر می‌سازد. به طور کلی، تا سال ۲۰۰۷ تنها ۱۳ کشور از فناوری تولید اورانیوم غنی شده بهره‌مند بودند و کشورهای غربی سعی نمودند. این حق ایران را در مذاکرات هسته‌ای نادیده بگیرند، اما در نهایت بر اساس برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) بر این حق ایران تاکید مجدد شد و تنها بر میزان خلوص و حجم تولید اورانیوم غنی شده ایران برای مدت زمانی مشخص محدودیت وضع گردید. (بیسواز،^۳ ۲۰۱۶)

با تلاش بی‌وقفه جمعی از کشورها پس از مذاکرات فراوان بین‌المللی، اولین پیمان منع تسلیحات هسته‌ای با هدف جمع‌آوری کلیه تسلیحات اتمی جهان در ۷ ژوئیه ۲۰۱۷ با امضای ۱۲۲ کشور در سازمان ملل جهت تصویب مفتوح گردید. (پیمان ممنوعیت سلاح‌های هسته‌ای، ۲۰۱۷) موافقان این پیمان که آن را یک توافق تاریخی می‌پندارند از این حرکت به عنوان گام بلندی جهت عاری

1. Nguyen & yim

2. I.C.J Communiqué Wrrfficial for Immediate Release Ibid.

3. Biswas

سازی جهان از هر نوع سلاح هسته‌ای یاد می‌کنند. هر چند این مذاکرات (به جز هلند که سرانجام بر ضد آن رأی داد) توسط تمامی کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای و اعضای ناتو بایکوت شد. لیان وایت گومز ریاست کنفرانس پس از اعلام نتیجه رای‌گیری اظهار داشت که بعد از بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی جهان ۷۰ سال در انتظار تصویب این پیمان بوده است. او گفت: «ما موفق شدیم نخستین بذره‌های یک جهان عاری از سلاح هسته‌ای را بکاریم». بر این اساس، کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای عضو این معاهده باید زرادخانه هسته‌ای و تمامی تأسیسات مرتبط را در یک مهلت زمانی مشخص منهدم نمایند. هرچند مواد این پیمان برای کشورهایی که از امضای آن خودداری کنند، الزام‌آور نخواهد بود. در نتیجه به نظر می‌آید این راه جدیدی که آغاز گردیده تا سرانجام مطلوب مسیر پر پیچ و خمی را در پیش رو دارد هر چند برخی همچنان به آن امیدواری می‌نگرند. (هامل گرین^۱، ۲۰۱۸)

۲-۳) سازمان ملل متحد

مجموعه‌ای از کشورهای مستقل را که در زمینه‌های مشترک دست به تصمیمات و اقداماتی می‌زنند را سازمان ملل می‌گویند. خلع سلاح از موضوعاتی است که در زمینه مشترک مورد علاقه کشورهای سازمان ملل از آغاز این سازمان توجه را به خود معطوف داشته است. درحالی که ابتدایی‌ترین وظیفه سازمان ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است و از آنجا که منشور آن نظام منع گسترش سلاح‌ها و خلع سلاح را کمتر مورد توجه قرار داده، از ابتدای تأسیس به لحاظ حساسیتی که این مسأله برای اعضای جامعه بین‌المللی داشته، درگیر آن شده است. (محمدی محمودی، ۱۳۹۷: ۱۶۳) با توجه به ارزش سازمان ملل به عنوان عرصه‌ای جهانی که می‌تواند حساسیت‌های مشترکی را برای دولت‌های جزء جامعه بین‌المللی بیان نماید و نظر اعضا را به مسایل مورد علاقه معطوف کند، پیوسته بر لزوم استحکام این سازمان در زمینه امور و مسایل مربوط به خلع سلاح تأکید کرده است. با توجه به زمینه‌های گسترده فعالیت سازمان ملل و همچنین برخورداری آن از ساختار و نهادهای متعدد و متنوعی که سازمان را در دستیابی به اهداف متعالی منشور ملل متحد حمایت می‌کند و از سویی دیگر با در نظر گرفتن اینکه خلع سلاح روندی گسترده و دارای آثار و پیامدهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، حقوقی و ... در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی است، اولاً لازمه آن مشارکت و همکاری همه دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی و ثانیاً توجه همه ارگان و نهادها زیرمجموعه سازمان ملل را

^۱.Hamel-Green

^۲.Klaus Turnudd, Integrating Disarmament and Arms Regulation with U.N. Peace Activities

می‌طلبد. مطابق معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، معروف به (N.P.T(1968، دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای متعهد می‌شوند سلاح و دیگر امکانات هسته‌ای را به دولت‌های فاقد آن انتقال ندهند و در جهت کسب آن نیز، به آنان کمک ننمایند. دولت‌های فاقد این سلاح هم، به نوبه خود از دستیابی به آن خودداری کرده و نظام نظارتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بپذیرند. در مقابل، دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای تعهد می‌کنند تجهیزات لازم و داده‌های علمی و فنی را، به منظور استفاده مسالمت آمیز انرژی اتمی، برای دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای فراهم آورند. اما این تعهدات نتایج مورد انتظار را نداشته و دولت‌های فاقد این سلاح در نخستین کنفرانس بررسی معاهده مذکور (۱۹۷۵)، علیه گند عمل کردن دولت‌های هسته‌ای در انجام تعهدهای خود در این زمینه، اعتراض نموده‌اند. شاید نگرانی دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای از خطرات انتقال تکنولوژی اتمی، یکی از دلایل این کندی بوده است. از جانب دیگر، دولت‌های فاقد این سلاح در جهت دستیابی به نتایج موافقت‌نامه‌های مؤثر بین‌المللی که تضمین‌کننده استفاده از سلاح هسته‌ای است، تلاش زیادی می‌ورزند. این موضوع به تضمین‌های منفی معروف است که از سال ۱۹۷۹ و از کنفرانس خلع سلاح، در قلب مذاکرات جای داشته، ولی با وجود قطع‌نامه‌های متعدد مجمع عمومی در این مورد، نتیجه مثبتی از آن گرفته نشده است. یکی از ضعف‌های N.P.T آن است که نسبت به الزام دولت‌هایی که آن را تصویب نمی‌کنند، اقدام نمی‌کند. چندین دولت دارنده سلاح هسته‌ای (فرانسه، چین و احتمالاً هند) و نیز دولت‌های متعددی که دانش لازم جهت دستیابی سریع به این سلاح را دارند، مثل آفریقای جنوبی، آرژانتین، برزیل، کره، مصر، اسپانیا، اسرائیل و پاکستان، مدت طولانی از پیوستن به معاهده N.P.T خودداری کردند و برخی همچنان خودداری می‌کنند، اگر چه گاهی عنوان کرده‌اند که مفاد آن معاهده را قبول دارند.

نتیجه‌گیری

بنظر می‌رسد که در جهان کنونی، خلع سلاح باید در زمینه صلح و امنیت بین‌المللی همواره تکمیل و تقویت شود. بنظر می‌رسد فعالیت‌هایی که تاکنون سازمان ملل در زمینه خلع سلاح انجام داده است، فراهم آوردن زمینه‌هایی برای تداوم گفتگوهای خلع سلاح می‌باشد، اما نقشی که پس از خاتمه اشغال کویت از خود نشان داد یک اقدام فعال در زمینه خلع سلاح بود و نشان از ارتباط بین صلح و امنیت بین‌المللی و مسائل منع گسترش داشت. بنابراین تقویت سازمان ملل برای دسترسی هر چه سریعتر به نظام منع گسترش، که همواره بر آن تأکید شده و از

ضرورت اجتناب ناپذیری برخوردار است، به نقش آفرینی فعال مجموعه‌های مرتبط با آن در این زمینه بستگی دارد، همانگونه که شورای امنیت در تشکیل کمیسیون ویژه خلع سلاح عراق اقدام کرد. مسلماً شورای امنیت در همه موارد تا الان به این نحو عمل ننموده، زیرا نفوذ قدرت‌ها به ویژه به لحاظ برخورداری دول عضو دائم آن از حق وتو مانع انجام وظیفه شورا به نحو احسن و مطلوب است؛ چه حمله و تهاجم عراق به کویت حتی در همین سالهای اخیر در نوع خود اولین نبود، و مواردی از این دست را از آمریکا مشاهده نمودیم، از جمله حمله به پاناما و مداخله مسلحانه در سومالی و ... اما واکنش جامعه جهانی و سازمان ملل در اعاده وضعیت اولیه کویت و در پی آن تشکیل کمیسیون ویژه عراق در نوع خود بی سابقه بود، از این رو تسلط معادله قدرت هنوز مانعی در جهت نقش آفرینی فعال سازمان ملل متحد در راهیابی به مقاصد نظام منع گسترش و خلع سلاح هسته‌ای و در بیانی کلی تر خلع سلاح مشترک و کامل مورد نظر معاهده منع گسترش به شمار می‌رود. سوابق اجرای معاهده در طی سال گذشته، موید این است که حق و حقوق دولت‌های غیرهسته‌ای، کاملاً تضمین نشده است. اعتراضات زیادی که مربوط به عدم پیگیری ماده ۴ و ماده ۶، توسط دولت‌های هسته‌ای، از طرف کشورهای غیر هسته‌ای، مطرح گردیده است کاملاً عدم پایبندی کشورهای هسته‌ای به تضمین حقوق دول غیر هسته‌ای را روشن می‌سازد و در اکثر سمینارهای بین‌المللی به این موارد معترض بوده‌اند. اکثر اجلاس‌های بازنگری معاهده، به علت تعارض منافع بین کشورهای دارای سلاح هسته‌ای و دول غیر سلاح هسته‌ای و عدم عمل کشورهای هسته‌ای، به تعهداتشان، بدون نتیجه، پایان یافته‌اند. هر چند نظام عدم اشاعه، از هنجارهای بوجود آمده در قالب معاهده می‌باشد و سازوکارها و قواعد اجرائی در معاهده، بیشتر تأکید بر موضوع عدم اشاعه دارد، در زمینه خلع سلاح نه تنها سازوکار تکوینی، که حتی سازوکار تنظیمی هم برای خلع سلاح هسته‌ای مدنظر قرار نگرفته است. بنابراین خلع سلاح هسته‌ای، در این قالب این تبیین نمی‌گنجد. مواردی که ناظر بر تعهدات دول دارای سلاح هسته‌ای است، شامل تعهد به خلع سلاح هسته‌ای طبق ماده ۶، تعهد به انتقال تکنولوژی هسته‌ای برای مقاصد صلح آمیز طبق ماده ۴، هیچگاه علمی و کاربردی نشده است. ماهیت تبعیض آمیز یکی از دلایل چالش‌های موجود در عدم پایبندی به معاهده می‌باشد. در نهایت ضرورت اتخاذ اقدامات جدی در زمینه خلع سلاح هسته‌ای و انعقاد یک معاهده الزام‌آور حقوقی در زمینه خلع سلاح هسته‌ای که دارای یک سامانه راستی آزمائی قوی در زمینه نظارت بر پایبندی دولتها در زمینه نابودی و کاهش سلاح‌های هسته‌ای باشد، از جمله این اقدامات است.

منابع فارسی

کتاب

- ساعد، نادر (۱۳۸۹)، **حقوق خلع سلاح و حاکمیت دولتها**، تهران، انتشارات خرسندی
- عابد، رسول (۱۳۹۵)، **حقوق کیفری سلاح: از شکل‌گیری حق داشتن سلاح تا خلع سلاح عمومی**، تهران، نشر میزان
- عادل محمدی، هژار محمودی (۱۳۹۷)، **کنترل خلع سلاح و منع بکارگیری مجرمانه آن در حقوق بین‌الملل**، تهران، نشر خرسندی
- مجتهدزاده، سپنتا (۱۳۹۵)، **تاثیر اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی بر حقوق خلع سلاح و کنترل تسلیحات**، تهران، نشر مجد

English References

Book

- Boutros Boutros Ghali, *The U.N and Nuclear Non - Proliferation* The U.N Publication Para. 97
- Campbell K., R. Einhorn R and M. Reiss (2004), **The Nuclear Tipping Point: Why States Reconsider Their Nuclear Choices**, Washington: Brookings Institution Press
- Ghali Boutros Boutros (1995), *The U.N. and Nuclear Non - Proliferation* The U.N. Publication
- Goldblat Jozef, *Twenty Years of the Non - Proliferation Treaty*
- Goodby, J. & g. Shultz (2015), **The War That Must Never Be Fought**, Stanford University: Hoover Press
- Popp, R., L. Horowitz & L. Wenger (2017), **Negotiating the Nuclear Non-Proliferation Treaty**, England: Routledge Taylor and Francis Group
- Rapacki Jan Prawitz and James F. Lecnard *A Zone Free of Weapons of Mass Destruction in the Middle East* UNIDIR
- Sokolski, H. (2010), *Reviewing NPT*, California: Create Space Independent Publishing Platform

Articles

- Hamel-Green, M. (2018), **The Nuclear Ban Treaty and 2018 Disarmament Forums: An Initial Impact Assessment**, NAGAZAKI University- Journal for Peace and Nuclear Disarmament, Vol. 1(2)
- Jayamaha Dhanapala (1995), **The Review and EXTENSION Conference of the Nuclear Non Proliferation Treaty**, the outcome of the Conference DISARMAMENT, Vol. XIII, No.3
- Klous, Tornudu (1994), **integrating Disarmament and ARMS Regulation With UN Peace Activities**, DISAPMAMENT, Vol. XVII, No. 2
- Mohamed L. Shaker *The 1995 NPT Conference : A New Beginning* DISARMA

MENT, Vol. XIII, No. 3

- Nguyen, V. & M. Yim (2019), **Nonproliferation and Security Implication of the Evolving Civil Nuclear Export Market**, MDPI, Open Access Journal, Vol. 11(7)
- Weiss, L. (2003), Atoms for Peace, **Illinois: Bulletin of the Atomic Scientists**, Vol. 59

Site

- Biswas, A. (2016), **Iran Deal, NPT and the Norms of Nuclear Non-Proliferation**, The Diplomat Magazine; [cited 2016 Feb 18], Available from: [https:// thediplomat.com](https://thediplomat.com)
- Joyner, D. (2018), **Friend or Foe: The Treaty on the Prohibition of Nuclear Weapons and the NPT**, ICAN; [cited 2018 August]. Available from: <https://www.icanw.org>
- Maître, E. (2015), **The NPT Review Conference: Analyzing the Outcome**, Foundation for Research Strategies; [cited 2015 Oct 7], Available from: [https:// www.frstrategie.org](https://www.frstrategie.org)

Document

- I.C.J Communique Unofficial for Immediate Release No. 69/23, 8 July 1996 Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons (Request for Advisory Opinion by the General Assembly of the United Nations)